

آن روزهای مال/ماه‌های شاه نشین... سیاوش صالح‌چیپور

ایام تعطیلات رسم بر این بود که فامیل از شهر به دیدن بستگان خود در روستا بیایند. آنهایی که ماشین داشتند از جاده امروزی و بقیه از جاده سرتیوک پیاده به شوق دیدن فامیل خود به شاه نشین می آمدند. بخصوص ایامی که از گرما خبری نبود.

دایی بزرگ ما مرحوم مهدی اسکندر مکنونی و خانواده ایشان بیشتر ایام تعطیلات مهمان ما بودند... آنها با اینکه میتوانند از جاده اصلی به دیدن ما بیایند اما بخاطر اینکه بیشتر از فصل بهاری لذت ببرند از مسجده سلیمان تا دو راهی سرتیوک را با ماشین و بقیه مسیر را پیاده می آمدند... در یکی از سالهای دهه پنجاه که باران خوبی باریده و هوا و طبیعت هم از همیشه بهاری تر بود آنها به شاه نشین آمدند... بعد از گذشت چند روز از آمدن آنها و گشت و گذار در اطراف روستا ماهی هایی که در اطراف دره های روبروی مدرسه و به خصوص نزدیک سور بودند توجه آنها را به خود جلب و همه را به گرفتن ماهی ترغیب کرد.

با هماهنگی چند جوان روستا با چیدن سنگ جلوی آب به اندازه نیاز ماهی گرفتند.

بعد از پاک کردن آنها به کمک زنهای فامیل به رسم ادب به هر خانواده بین یک یا دو ماهی داده شد.

ماه‌های شاه نشین بیشتر شوریده بودند و متأسفانه بخاطر کم آبی در این سالها ماهی شاه نشین از بین رفت.

بعد از سالها هروقت به دیدن دایی زاده های خود می روم همیشه از لذت خوردن ماهی شاه نشین در آن سالها و هوای بهاری این روستای دل انگیز به نیکی یاد می کنند.

پایند باشید...

#سیاوش_صالح‌چیپور

شاه_نشینی_ها

<https://t.me/shahneshinNGO>